



ایمان عظیمی

خبرنگار

از جشنواره فیلم کن به‌عنوان بهار فستیوال‌های سینمایی یاد می‌کنند و خبیل عظیمی از منتقدان و مخاطبان جدی سینما نیز امیدشان به این رویداد فرهنگی بسته است تا از دل این فستیوال ارزیابی کیفی خود را نسبت به ادامه سال و محصولات که در پی آن به بازار فرهنگی عرضه می‌شود به مخاطب ارائه دهند.
هفتادوهفتمین جشنواره فیلم کن درحالی آغاز به کار کرد که نام گرتا گروپگ، فیلمساز مشهور زن سینمای آمریکا به‌عنوان رئیس هیات داوران از پیش بر پیشانی اش حک شده بود. این جشنواره که مدعیان سینمای آزاد آن را بر قله سینمای هنری در دنیا نشانده‌اند کار خود را با تقدیر از مریل استریپ آغاز کرد و با اهدای نخل طلای افتخاری از جانب ژولیت بینوش برای بار دیگر اسم این بازیگر برنده اسکار را بر سر زبان‌ها انداخت. اما فستیوال فیلم کن که تا ۲۵ می در حال برگزاری است در تمام سال‌های اخیر درگیر حاشیه‌های ریز و درشتی بود که حتی اصل جشنواره را زیر سوال برده و جایزه‌ها ارزش گذشته‌شان را از دست داده‌اند. این بار اما فستیوال کن از همان ابتدا با موجی از تنش‌ها و حاشیه‌ها آغاز شد؛ تعدادی از کارکنان جشنواره به علت تغییرات پیشنهادی در قانون کار فرانسه مسئولان کن را به برپایی اعتصاب تهدید کردند و بسیاری از بازیگران نیز تصمیم گرفتند تا با علنی کردن موضع‌شان علیه همکاران خود از رسوایی‌های جنسی آنها به‌صورت واضح پرده برداری کنند، حتی گرتا گروپگ در مقام رئیس هیات داوران نیز در حد بیان چند جمله با اعتراضات همراه شد و گفت که حاضر است از همه جنبش‌هایی که قصد دارند در برابر تبعیض‌ها و محرومیت‌ها بایستند، حمایت کند.

جولان اخبارزد در اردوگاه مگالوپلیس

فرانسیس فوردکاپولا که برای علاقه‌مندان به سینمای آمریکا، بالاخص دنبال‌کنندگان جریان «هالیوود نو» بسیار فرد مهم، اثرگذار و تاریخ‌سازی محسوب می‌شود، امسال در بخش اصلی یا همان مسابقه جشنواره فیلم کن در قالب پروژه مگالوپلیس – که سال‌ها در طلب ساخت آن بود– حضور دارد. او برای تولید این فیلم مجبور شد عطای سرمایه دیگری را به نقایش ببخشد و خودش دست در جیب کند و هزینه تولید اثر عظیمی همچون مگالوپلیس را بپردازد. ولی این تنها حاشیه مهم فوردکاپولا در رابطه ما مگالوپلیس نبود و دامنه اتفاقات پیرامون این اثر به جشنواره کن نیز کشیده شد. درز اطلاعات از پشت صحنه فیلم مگالوپلیس توسط افراد ناشناس صورت گرفت، اما

تاریخچه

در شب میلاد او اذن زیارت را گرفت

جمعی از شاعران در پی شهادت آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی رئیس‌جمهور دولت سیزدهم و همراهان ایشان، نسیبت به این حادثه ناگوار واکنش نشان دادند و اشـعاری را برای این واقعه تلخ و تاترانگیز سرودند.

سعدیباانکی

خیال می‌کنم این بغض ناگهان شعر است همین یقین فروخته در گمان شعر است همین که اشک مرا و تو را درآورده است همین، همین دو سه تا تکه استخوان شعر است همین که می‌رود از دست شهر، دست به‌دست همین شقایق بی‌نام و بی‌نشان شعر است

سارارمضانی

ای خادم عشق موسم پرواز است! پایان تو نیست، تازه این آغاز است در لحظه‌ی زیبای شهادت انگار آغوش رضاست روبه‌رویت باز است

حامدحتی

نیبیم آنکه صدای تو در حصار بیفتد عبای خاکی‌ات ای مرد یک کنار بیفتد کنار نام تو ای سید سترگ زمانه چه خوب شد که شهادت به‌افتخار بیفتد نه خسنگی به تو روی آورد نه عجز و تباهی هر آنچه هست در اینجا به اختیار بیفتد که نان به سفره مردم رسیده باشد و هر روز در این زمین‌وزمان دست‌ها به کار بیفتد درست لحظه باریی دو چشم تو دردی است که پای کودک آن دوره‌ها به خار بیفتد تو را به آتش و مه در سواد کوه کشیدند مباد آنکه خلیلی نجیب از اختیار بیفتد نشسته‌ای به فراسوی جمعه‌های توسل که چشم‌هات به جولان آن سوار بیفتد

از حاشیه تا اصل جشنواره فیلم کن

اتفاقی که در این میان اهمیت بیشتری پیدا کرد، محتوای زردی بود که رسانه‌ها در رابطه با پروسه تولید فیلم پرهزینه مگالوپلیس به آن دامن زدند و ادعا کردند که کاپولا در زمان تولید فیلم از حالت عادی برخوردار نبوده و تعادل روحی و روانی چندانی برای پیگیری کار نداشته و دائم ماری‌جوانا مصرف می‌کرده است. او حتی در مسیر تولید مگالوپلیس دائم نظرش را در رابطه با کارگردانی مکانس‌ها و حتی دکوپاژ صحنه‌ها تغییر می‌داده و اعمال ناشایستی از خودش بروز داده‌است، البته این مسائل برای مرتبه اول نیست که حول‌وحوش تولید فیلم‌های کاپولا اتفاق می‌افتد و این کارگردان برای ساخت «اینک آخرالزمان» و حتی دیگر آثارش هم با این قبیل حواشی دست‌وپنجه نرم کرده بود و رسانه‌ها با بررسی این اخبار زرد، واقعه مهم وارزشمندی را به گوش مخاطبان خود نرساندند، اما برای آن کسانی که نسبت به تاریخ سینما و حواشی‌اش آگاهی چندانی ندارند باید این مسائل جدایت داشته باشد.

محمد رسول اف میهمان دقیقه آخری کن

تیری فرمو، مدیر جشنواره کن پیش از شروع این فستیوال، در یک نشست خبری در پاریس، فهرست رسمی آثار حاضر در این رویداد سینمایی را معرفی کرده بود که هیچ نامی از محمد رسول‌اف و فیلمش در آن به چشم نمی‌خورد ولی پس از آن، فستیوال فیلم کن تصمیم گرفت تا نام چند اثر جدید را به‌عنوان فیلم‌های پذیرفته‌شده در بخش‌های مختلف اعلام کند، که در بخش مسابقه، اسم فیلم تازه محمد رسول‌اف، «دانه انجیر مقدس» نیز به این فهرست اضافه شد تا این کارگردان از قافله جا نماند و به هر ضرب و زوری هم که شده پایش به بخش اصلی کن نیز باز شود. رسول‌اف که اخیر به هشت سال زندان محکوم شده بود با انتشار ویدئویی در اینستاگرام خبر فرارش از کشور را اعلام کرد و برای همیشه از ایران رفت.

علی عباسی با ترامپ به کن رسید

علی عباسی، کارگردان ایرانی تبار که مخاطبانش عموماً وی را با حواشی اکران «عنکبوت مقدس» و حضور این فیلم در هفتادوپنجمین دوره فستیوال کن می‌شناسند، این بار پس از یک دوره وقفه باز هم در این جشنواره ساحلی حضور پیدا کرده تا بختش را به اسم ترامپ گره بزند و دوباره جنجال‌آفرین شود. اما ترامپ در این میان چه کاره است که عباسی شناسش را به موی حنایی این فرد گره بزند؟ عباسی که پیش‌تر برای ساخت آثاری همچون مرز و شلی در میان طیف موسوم به سینه‌فیل به یک شهرت نسبی دست یافته بود زندگی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا را در قالب فیلمی تحت عنوان «کارآموز» جلوی دوربین برد و در بخش اصلی کن نیز پذیرفته شد، به

گفته تیری فرمو، کارآموز زندگی دونالد ترامپ جوان تا رسیدن به یک قدرت اقتصادی قابل انکار را دستمایه خود قرار می‌دهد و درام پیش‌رو، از این منظر یک فیلم تمام آمریکایی است. علی عباسی پیش از حضور در بخش مسابقه کن با فیلم عنکبوت مقدس، در سال ۲۰۱۸ نیز با ساخت اثری به نام «مرز» نیز حضور موفقی در این رویداد سینمایی داشت و توانست در بخش نوعی نگاه برنده جایزه شود. فیلمنامه کارآموز توسط گابریل شرمن، نویسنده زندگی‌نامه موسس شبکه فاکس نیز نوشته شده و از طور که گمان می‌رود یکی از آثار مهم جشنواره است که علی عباسی می‌تواند با موج سواری بر احساسات زدنگ‌های آمریکایی به فروش آن در آمریکا دل خوش کند و بر این اساس شناسش را برای باقی ماندن در سینمای جریان اصلی از دست ندهد.

پل شریدر به مرگ می‌اندیشد

پل شریدر، فیلمنامه‌نویس و کارگردان مشهور آمریکایی که سال‌های سال است فیلم می‌سازد و فیلمنامه می‌نویسد در جشنواره هفتادوهمتم کن نیز با اثری به نام «اوه کانادا» حضور دارد و فیلم مرگ‌اندیشانه‌ای را با بازی ریچارد گی‌یر آماده نمایش کرده است. اوه کانادا، پس از ژیکولوئی آمریکایی دومین همکاری شریدر با این بازیگر به حساب می‌آید. این فیلم، قصه مستندساز مشهور کانادایی است که دو شاگرد سابق وی تصمیم دارند آخرین مصاحبه زندگی‌اش را ضبط کنند، اما این کارگردان به جای صحبت از کار و زندگی از این فرصت بهره می‌برد تا واقعیت زندگی‌اش را برای همسرش تعریف کند. ولی مساله حاشیه‌ای و شاید اصلی پروسه تولید اوه کانادا را بتوان عدم بازی رابرت دنیرو و جایگزینی ریچارد گی‌یر به جای این بازیگر عنوان کرد. شریدر رویه ثابتی در دعوت از بازیگرانش برای ایفای نقش در فیلم‌ها دارد که در مورد غولی به اسم رابرت دنیرو نیز صدق می‌کند: ۱۰ بازیگر باید بتوانند فیلمنامه پیشنهادی را سریع بخوانند، ۲۰ در عرض دو دقیقه جواب نهایی‌اش را در رد یا قبول پیشنهاد شریدر به وی اعلام کنند و ۳۰ معیارهای مالی این کارگردان را درنظر بگیرد. دنیرو دو شرط اول را برای بازی در اوه کانادا پذیرفت، اما در رابطه با مسائل مالی کوتاه نیامد و درنهایت قید بازی در این فیلم را زد تا قرعه فال به نام ریچارد گی‌یر بیفتد. شریدر پس از حضور تیری فرمو هیچ‌وقت به بخش مسابقه جشنواره کن دعوت نشد، اما امسال این رویه تکرار نشد و فیلمنامه نویس «راننده تاکسی» توانست به این بخش راه پیدا کند.

لانتیموس فیلم محبوب کن را ساخت

لانتیموس، فیلمساز یونانی –که سال گذشته با ساخت بیچارگان

مهدی‌رسولی

دست او در آسمان دست شهادت را گرفت
بال در بال شهادت مزد خدمت را گرفت
دیشب از هرجا خبر می‌آمد از پرواز او
رفته‌رفته این خبر رنگ حقیقت را گرفت
می‌توانست او نباشد در میان کوه و دشت
آسمان اما صدایش کرد، دعوت را گرفت
چشم‌هایش را تماشا کردم و بغضم گرفت
چشم‌هایی را که از آن خواب راحت را گرفت
کار کرد و کار کرد و کار کرد و کار کرد
این دودین‌ها مسیر بی‌نهایت را گرفت
از علی بن ابی‌طالب(ع) نشان مهر را
از حسین بن علی(ع) مُهر سیادت را گرفت
او دلش تنگ امام مهربان خویش بود
در شب میلاد او اذن زیارت را گرفت

محمد مهدی عبداللهی

بیا و چاره‌ای ای جان برای هجران کن
بیا و خلوت شب را ستاره‌باران کن
در آسمان غزل خیز یا کریمانت
شکوه بیزدنی نذر بی‌قراران کن
سفر جاده تکریم عاشقان پرخیز!
دوباره با عَلمت، عشق را نمایان کن
امید فتنه‌گران ناامید می‌گردد
دوباره خواب برانداز را پریشان کن
به نامِ نامی یا صاحبِ الزّمان پرخیز
به رنگ پرچم ایران دوباره توفان کن
تبر به دوش تو باشد، سلام ابراهیم!

بیا و آتش ویرانه را گلستان کن
شب ولادت خورشید، مضطرب بودیم
به یک اشاره مرا راهی خراسان کن
میان بغض نفسگیر انتظار، ای دوست
نگاه یوسفی‌ات را به سوی کنعان کن
قسم به صبح کرامت، ظهور نزدیک است
سلام ویژه خود را نثار باران کن

نغمه مستشار نظامی

با عناد و ناجوانمردی و با تحريم ما
دشمنت هرگز نخواهد ديد ترس و بيم ما
«تا شهادت با ولايت» راه و رسم كوثری ست
مادر سادات فرمود اين روش تعليم ما
زخم بر زخم است آری، داغ بر داغ است آه!
آری اما عاقبت غم می‌شود تسليم ما
می‌رسد مردی که بار آسمان بر دوش اوست
می‌کند دنيا بهاری جاودان تقدیم ما
روز ميلاد علی موسی الرضا جان سال‌هاست
روز پرواز كوثُر بوده در تقويم ما
در میان کوه‌های کثورت آسوده‌ای
آه، ابراهیم، ابراهیم، ابراهیم، ابراهیم ما

فرهنگ و نگاه

حسابی گرد و خاک به پا کرد– با فیلم «انواع مهربانی» پا به عرصه رقابت در بخش مسابقه کن گذاشته و تا اینجا کار یکی از شناس‌های اصلی دریافت نخل طلای این فستیوال محسوب می‌شود.
انواع مهربانی در واقع روایتی سه‌گانه است که سه داستان متمایز از هم را به یکدیگر پیوند می‌زند و این نوید را به مخاطب می‌دهد که لانتیموس در ادامه مسیر فیلمسازی اش خواسته فضای سینمای هالیوودنیک را نیز تجربه کند. ازجمله بازیگران اصلی این اثر می‌توان به اما استون، جسی پالمونس، هانتز شفر و جو آلوین اشاره کرد.

چینی‌ها با توپ پرآمدند

فیلم سینمایی اسیر امواج ساخته فیلمساز مشهور چینی جیا ژانکو نیز همانند مورد لانتیموس، توجهات زیادی را در میان منتقدان سینمایی به خود جلب کرده و منتقدان نیویورک، پوزیتو و اسکریین اینترنشنال مواجهه رضایت‌بخشی نسبت به این اثر داشته‌اند. از ژانکو به‌عنوان یکی از چهره‌های اصلی جنبش نسل ششم سینمای چین نام می‌برند که سال ۲۰۰۶ با طبیعت بی‌جان حضور بسیار موفقی را در فستیوال فیلم ونیز تجربه کرد و توانست جایزه شیر طلایی این جشنواره را تصاحب کند. او حتی در جشنواره کن نیز موفق بود و در سال ۲۰۱۳ با ساخت فیلم «نشانی از گناه» برنده جایزه بهترین فیلمنامه شد.

صعود دوباره ژاک اودیبار به قله پس از «یک پیامبر»

ژاک اودیبار که پیش‌تر برای ساخت فیلم «یک پیامبر» به موفقیت‌های بزرگی در سینمای دنیا دست پیدا کرده بود، پس از دریافت نخل طلا برای فیلم دیپان، تقریباً از مرکز توجهات سینمادوستان فاصله گرفت و برای مدتی در حاشیه ماند، اما این کارگردان نوگرای فرانسوی، با ساخت امیلیا پرز دوباره در کانون توجهات قرار گرفته و توانسته نظر اغلب منتقدان را به خود معظوف کند. در خلاصه داستان این اثر آمده است: «ریتا وکیلی باتجربه و حرفه‌ای در مرکزیک است که استعدادش را با کار در یک شرکت بزرگ هدر می‌دهد؛ ریتا تصمیم می‌گیرد به رئیس یک کارتل کمک کند و وی را از مهلکه نجات دهد.» از بازیگران اصلی این فیلم می‌توان به سلنا گومز و زویی سالدانا اشاره کرد. هفتادوهفتمین جشنواره فیلم کن درحالی رضه راه را طی کرده که بیش از هر زمان دیگری درگیر حاشیه‌هایی همچون «می‌تو» و اعتصابات کارکنانش شده و همه‌چیز تحت‌الشعاع مسائل پیرامونی قرار گرفته است؛ تاریخ در حال گذار است و دیگر خبری از فیلم‌های درخشان اکران شده و جایزه گرفته در کن نیست.

خدیدجه حلیمی

خبر داغ سنگین و درد و غم آورد
عظیم آنچه‌جان که خبر هم کم آورد
خبر در رسانه بر این موج باران
قراری گرفت و به دیده تم آورد
خبر داغ بر دل نشستند در این صبح
خبر گریه شد با خودش ماتم آورد
دریغا دمی بعد چشم انتظار ی
دمادم دمار از هر آدم، دم آورد
که خدمت چه باشد؟ به هر سو دویدن!
برای دلم آپی می‌محکم آورد
شهادت… ولادت… خوشا این سعادت
خبر با ورودش چنین مرهم آورد

علیرضاقروه

در ما قیامت کن قیامت سید ابراهیم
ای صاحب جود و کرامت سید ابراهیم
ما را خبر از خویش بی‌خود کرده اما تو
اما تو راحت باش راحت سید ابراهیم
تو شاد از دیدار با ما مردم دلنگ
ما خسته از دنیای غربت سید ابراهیم
از ابتدا هم تو شهید زنده‌ای بودی
سهم تو شد آخر شهادت سید ابراهیم
دیدار با تو بار دیگر آرزوی ماست
دیدار ما روز قیامت سید ابراهیم

یوسف شیردژم

پیداست چقدر محترم بودی تو
پیداست چقدر مغتنم بودی تو
عمریست که در خدمت ایران بودی
عمریست که خادم حرم بودی تو

محمدعلی بیابانی

ای نسل تو فاطمی، تبارت علوی
این شرط وفا نبود، بی‌ما بروی
میهمان رضا شدی! مبارک باشد
ای خادم آستان قدس رضوی!

محمد احسان افتخاری پور

هرچند شهادت هنر مردان است
اما خبر رفتن‌شان سوزان است
هر لحظه عبادت تو خدمت بود و
محراب شهادت تو هم میدان است!

۱۳